

حکایت اصلاحات و دوغ لیلی

حسن بهگر

سرانجام کوشش‌های اپوزیسیون برای تحریم انتخابات به ثمر نشست و رژیم تودهنی بزرگی خورد. اپوزیسیون با همه‌ی پراکندگی، در تحریم به توافق و همبستگی رسید و انتخابات دوره‌ی یازدهم نقطه‌ی پایانی برای خیمه‌شب‌بازی اصلاحات بود.



رژیم با رد صلاحیت از باقیمانده‌های «اصلاح طلبان» و با سرازیر کردن پاسداران به مجلس، ماهیت واقعی توتالیتار و پادگانی خود را به نمایش گذاشت. همه‌می‌دانند اصلاح طلبی جریان منسحب از حکومت زورگوی جمهوری اسلامی بود که طراحان و فعالان آن بنیانگذاران و اوای بوده‌اند و قتل‌ها و حذف بسیاری از افراد اپوزیسیون را در کارنامه خود دارند. پس از دور شدن از قدرت با نام جعلی به میدان آمدند و به یاری امکانات و رسانه‌هایی که در اختیار داشتند چندین سال نقش بازی کردند و مردم را بدنبال سراب دواندند.

اصلاحات مرده دنیا آمده بود و هیچ برنامه و پروژه‌ای نداشت. بد نیست در مجلس ختمش و محض تجدید خاطره‌ی رذائل آن مرحوم، نگاهی به نظرات رهبر اصلاحات خاتمی بیندازیم و ببینیم با طرز تفکر او امید چه اصلاحی در کشور می‌رفت.

در کتاب «زمینه‌های خیزش مشروطه» وی کلاً با انقلاب مشروطه ابراز مخالفت میکند. در تمجید از شیخ فضل‌الله نوری بسیار نوشته. با این ادعا که شیخ میدانسته راه انقلاب مشروطه به ترکستان می‌رسد: «گناه آیت‌الله نوری در پیشگاه استعمار و عوامل خود فروخته‌ی آن، این است که چرا شیخ زود این جریان را فهمیده و چرا ساکت نمانده است.» شیخی که وابسته‌ی دربار استبداد محمدعلیشاه و سفارت روس بود، در کتاب خاتمی پاک و منزه می‌شود و با نقل جمله‌ای از آل احمد نعلش طرف را بر سردار همچون پرچی می‌داند که به علامت استیلائی غرب زدگی است.

نه فقط تفکر و عقاید دینی ملایان در نهضت مشروطیت همه مورد تأیید خاتمی است، هرکسی هم که دم از آزادی و اندیشه‌های غربی می‌زند به نظر وی «برحسب ظاهر افکار آزادیخواهانه و دموکراتیک غرب» آن روی

سکه ی استعمار است.

خاتمی دشمنی خود را با دموکراسی و آزادی پنهان نمی کند و همه جا از جانب مردم حرف می زند و می گوید مردم ما دموکراسی نمی خواهند. کلیپ ویدئویی چنین سخنان گهر باری در دسترس همگان هست و نیازی به ارجاع و رفرانس نیست. می شود روی یوتوب تماشا کرد و خندید، هم به عقل آنهایی که به خاتمی رأی دادند و هم به بخت ملت ایران که این آدم رئیس جمهورش بود.

سید گل یاس!؟، نقش ملکم را در انتشار روزنامه قانون منحرف کننده می داند و همه ی آزادیخواهان و مروجان شعائر غربی را وابسته به استعمار می شمرد. برای نمونه برآخوند زاده تاخته است چرا که او می گوید «دیگر آن زمان گذشت که کسی زندگانی خود را قربانی دین و مذهب کند. برای به کف آوردن نیروی ملی و حفظ میهن بر ضد بیگانگان و رهایی از پستی و عقب ماندگی، لازم است که همه ی مردم را با سواد کرده و بدانها ملت دوستی و وطن پرستی را بیاموزیم». حق هم دارد، آن مرحوم نماند که انقلاب اسلامی را ببیند.

طالبوف هم چون به جدایی دین از سیاست اعتقاد دارد، تکلیفش معلوم است. سید خندان دشمن جدایی دین از سیاست است. امین الدوله هم از دست خاتمی جان سلامت نبرده چون از اولین کسانی بوده که لفظ مشروطه را در دهان مردم انداخته و مترادف با عدالتخانه بکاربرده است. گناهی بالاتر از این می شد؟ امین الدوله گفته باید حکومت قانون اجراشود تا ملاها نتوانند احکام ناسخ و منسوخ صادر کنند و همچنین اگر قانون حکمفرما باشد ملاها هم در مقابل قانون باید جوابگو باشند و این به مذاق سید خندان ما خوش نیامده است و به همین سبب حکم تکفیر او را صادر کرده که اصلاً او دیندار هم نبوده و زیارت مکه او هم برای تظاهر بوده. چرا؟ چون در یادداشت های اعتمادالسلطنه خوانده که «امشب خانه امین الدوله میهمانی بال است و زن های فرنگی دعوت شده اند که بعد از شام برقصند. صدراعظم و جمعی حضور دارند.» آیا جرمی بالاتر از این برای یک دیپلمات ایرانی که مهمان فرنگی داشته باشد سراغ دارید؟ از طرف خدا گفته زیارت تو قبول نیست.

این سید که از جانب مردم حرف می زند و به خود حق می دهد که دهانش را باز کند و هوار بزند که مردم دموکراسی نمی خواهند و اصلاحات میخواهند، یک بار هم یک برنامه اصلاحی نشان مردم نداد و آنچه از اصلاحات مورد نظر او می توان فهمید اینست که رفتارها باید مطابق

معیارهای قانون اساسی باشد و معیارانقلاب اسلامی و اندیشه های خمینی است. خوب اینکه همان گل و گلستانی است که هست، دیگر اصلاحش کجا بود؟ دفاع از انقلاب و اسلام، باور به تقدس نظام و رهبری را هم اگر بدان بیفزایید، پیدا کنید تفاوت خاتمی با مرتجع ترین ملاها؟ فرق خاتمی با سایر ملاهای دیگر شاید بجز لبخند در اندازه ی ریش و عمامه باشد؟

خاتمی با جدایی دین از سیاست مخالفت می ورزد و در سخنرانی های خود آن را تکرار می کند. نه تنها نظام جمهوری اسلامی بلکه رهبر آن نیز برایش مقدس است. او تنها با دموکراسی سرچنگ ندارد، با لیبرالیسم یعنی آزادیخواهی نیز میانه ای ندارد. در بخشی از کتاب «از دنیای شهر تا شهر دنیا» که به «آزادیخواه متجدد» اختصاص داده، از جان لاک و زندگی او عقاید می گوید و از باور او به اصالت عقل و سازش و مدارا و اصرار لاک بر حقوق طبیعی، حقوق افراد به زندگی و آزادی و مالکیت نقل می کند و مدعیست که «سرمایه داری و بینش «لیبرال - دموکراسی» که دستاوردهای بزرگی برای طبقه متوسط اروپایی داشت هیچگاه نتوانست عملاً برآورنده ی نیازها و توقع های همه ی غربیان باشد.» خدا را شکر که همان چند قلم دستاورد لیبرالیسم را قبول کردی ولی از آنجا که آخوند باید «ان قُلت» بیاورد به سبک آخوندها بالای منبر می رود و نطق غرایبی در جهت منفی قضا می کند: «مغربیانی که به عزم رسیدن به «برادری» و «برابری» و «آزادی» در یکی از شورانگیزترین صحنه های تاریخ قدم نهاده بودند و قرن نوزدهم که به یک معنی قرن شکوفایی سرمایه داری است، در عین حال بر ملا کننده ی این واقعیت تلخ نیز هست که میراث خوار انقلاب اجتماعی و سیاسی و صنعتی، نه همه ی مردم غرب که صاحب مکنات نوکیسه و ادعایی هستند که مکنت و برخورداری آنان، قیمت مسکن و محرومیت اکثریت مردم زحمتکش غرب و ویرانی سرزمین های استعمار زده و بردگی آشکار و پنهان قوم و محرومان غیر غربی به دست آمده است.» و نتیجه می گیرد که «این وضعیت موجب پیدایش تردیدهای جدی نسبت به بنیادهای فکری و ارزش «لیبرال - دموکراسی» در خود غرب شد و...». درست برعکس رژیم اسلامی که از تمامی این عیوب بری است، بخصوص از وجود نوکیسگان.

یکی نیست به ممدآقا خاتمی بگوید: حاجی این نسخه ی معجزه آسا نیست که برای همه آلام دردهای انسانی درمان باشد. همانقدر که توانسته برابری حقوقی انسان ها را فراهم کند همانقدر که مردم را از استبداد دینی و شاهی نجات داده و بر عقل متکی است و سازش و مدارا

و تساهل را تبلیغ می کند، عمامه ات را باید بندازی بالا، در غیر این صورت، نسخه ی معجزه آسا می خواهی برو بالای چاه جمکران منتظر شو.

او برآنست «لیبرالیسم واقعه ی مهمی در تاریخ اندیشه و سرنوشت آدمی است و نکته ای بسیار مهم که در بررسی این آیین و به طور کلی اندیشه ها و نظام های سیاسی و هر امر بشر تفتن (منظوردریافتن است) به آن بخصوص برای اهل علم لازم است. «نسبیت» این امور است و «مطلق» دیدن امر «نسبی» آفت بزرگ اندیشه و مانع سیر به سوی حقیقت و نیز منشأ فاجعه های فراوان در تاریخ بشری است.»

در حقیقت خاتمی با نسبی کردن لیبرالیسم آن را برای جامعه ما مناسب نمی بیند یعنی اگر چه نمی تواند محاسنی را که ذکر کرده منکر شود و بحران ها و رقابتش با سوسیالیسم و غیره را نیز بیان می کند ولی در پایان می خواهد بگوید آنچه که برای جامعه غرب مفید بوده را نباید مطلق کرد و برای جامعه ما ممکن است حتما مضر باشد. البته آن چیزی که نسبی نیست، اسلام است که اصولاً باید به کت همه کرد.

تازه حضرتش با این مخالف خوانی با لیبرالیسم، خود را هواخواه جامعه مدنی می دانست که آن را هم تبدیل به جامعه ی مدینه النبی کرد و فاتحه اش را خواند. خوب بدیهی است که این اصلاحات نبود و فریب بود ولی هیاهویش بسیار بود و حکایت دوغ لیلی بود که ماستش کم بود و آبش خیلی. به خرج ما به حلق ما ریختند، به زور یک مشت روزنامه نگار هوچی و دغل و مشتی امنیتی جانی. اینها بودند عصاره ی اصلاح طلبی.

خوب انصافاً با این طرز تفکر که نه دموکراسی و آزادی و نه حاکمیت ملت و نه جدایی دین از سیاست در آنست به کجا میخواستند برسند؟

حکایت میرحسین موسوی و آن یکی شیخ لر هم که قرار بود جلد دوم و سوم خاتمی باشند، دستکمی از خود یارو نداشت. گرچه رسماً امام را مقدس نمی دانستند ولی او را سرمایه ای بزرگ می شمردند و گفته ی موسوی هم راجع به بازگشت به دوران طلایی امام مشهور است. از روحانی هم که حرفی نمیزنم چون حی است و حاضر و مصائب ریاست جمهوری بر همه روشن.

خواست اصلاح طلبان و ملت ایران فرسنگ ها از هم دور است. خواست مردم آزادی و دموکراسی و رهایی از سلطه ی مذهبی است و رهبران

اصلاحات خواستار استمرار سلطه ی مذهبی و بزک کردن استبداد مذهبی هستند. مردم خواستار دخالت در سرنوشت خود و میهنشان هستند و این تنها با حاکمیت ملت امکان دارد نه حاکمیت ولایت فقیه.

همه ی اینها را که مدتها روی دلم جمع شده بود گفتم، چون بساطشان جمع شده، دل من هم سبک شد. بروید که از خمینی هم کثیف ترید. هر جا که خودش رفته، برای شما هم جا رزرو کرده، خیالتان راحت، مشکل جا نخواهید داشت.

سه شنبه ۶ اسفند ۱۳۹۸

2020February 25

برگرفته از سایت ایران لیبرال iranliberal.com

منابع :

محمد خاتمی -زمینه های خیزش مشروطه - موسسه فرهنگی و انتشاراتی پایا

چاپ اول- تاریخ ندارد محمد خاتمی - از دنیای «شهر» تا شهر « دنیا»
سیری در اندیشه سیاسی غرب

نشر نی - چاپ اول 1373 تهران

پی آمدهای ویروس کرونا

رژیم جمهوری اسلامی ارزشی برای جان شهروندان قائل نیست



با پیدایش و شیوع سریع ویروس خطرناک کرونا در چین و انتشار کم و بیش آن در دیگر کشورها در طول دو هفته گذشته، آذیر خطر گسترش یک اپیدمی در منطقه و حتی جهان به صدا درآمد و دولتهای مختلف را به اتخاذ سیاستهای ویژه برای پیش گیری و درمان مبتلایان به این بیماری کشاند. اما در این میان و به یکباره شیوع نسبتاً وسیع این ویروس در ایران خبرساز شد و ایران نه تنها به دومین کشور صدمه دیده بعد از چین، چه از جهت تعداد مبتلایان و چه از جهت تعداد افرادی که به خاطر ابتلا به این مریضی جان خود را از دست داده اند تبدیل شد، بلکه این کشور کانون انتشار ویروس کرونا به کشورهای مختلف جهان شد.

مدیریت به غایت غیرشفاف و ناسالم بحران، و سرعت شیوع این بیماری در شهرهای مختلف در واقع ریشه در فرصت طلبی رژیم جمهوری اسلامی و امنیتی کردن اپیدمی کرونا از سوی آنست. سیاستهای غیرمسئولانه رژیم حاکم و بی دقتی در این زمینه ایران را به کانون صدور ویروس کرونا تبدیل کرده است. سیاست ضد انسانی و فرصت طلبانه رژیم در کتمان این اپیدمی در قبل از برگزاری به اصطلاح انتخابات مجلس شورای اسلامی که میتوانست حضور مردم را بیش از پیش در انتخابات کم رنگتر کند، زمینه های شیوع وسیع و هولناک ویروس کرونا در میان شهروندان ایران را فراهم آورد.

رهبران جمهوری اسلامی و حتی مدیران رده بالای دولتی در مرحله اول وجود ویروس کرونا و مبتلایان به آن را در ایران را بکلی انکار کردند. اما سرعت شیوع این ویروس به قدری بالا بود که دامن همان مسئولینی که خود وجود ویروس کرونا در کشور را انکار میکردند گرفت و آنها را در بستر این بیماری انداخت. خبرهای غیررسمی از عدد های نجومی بالائی را از جهت تعداد مبتلایان به ویروس کرونا و حتی قربانیان این بیماری سخن میگویند و افکار عمومی در ایران در هاله ایی از بهت، شبهه و بی اعتمادی کامل به مسئولیت دولتی قرار دارد.

با وجود اینکه ملاقاتهای رهبری جمهوری اسلامی بکلی و تا اطلاع ثانوی لغو شده است، حسن روحانی بی شرمانه قرنطینه را در هر سطحی مردود شمرده و حتی میگوید که از آغاز هفته دیگر زندگی عادی به کشور باز

خواهد گشت. این در حالیست که خبرهای بسیار نگران کننده ایی از کشور به گوش میرسد. سازمان بهداشت جهانی در نهایت نسبت به شرایط بحرانی در ایران واکنش نشان داده و نگرانی خود را نسبت به چند و چون مقابله با پیشرفت ویروس کرونا ابراز کرده است.

همه دلایل و شواهد در برخورد با بحران اخیر نشان میدهد که جمهوری اسلامی ایران ارزشی برای جان انسانها و جان شهروندان کشور قائل نیست و چون هر زمان دیگری به فکر نمایشهای مسخره برای تثبیت و تبلیغ رژیم پوسیده خویش است.

ما، ضمن آرزوی پایان یافتن اپیدمی اخیر و بهبودی هر چه سریعتر مبتلایان به این بیماری، از مردم میخواهیم که ضمن رعایت احتیاط و برای سلامت خود، به مشاوره پزشکان متخصص و مستقل در این زمینه گوش فرا دهند و خود مبتکرانه با تکیه بر توصیه پزشکان از شیوع غیرمتعارف این ویروس در کشور ممانعت کنند. ما همچنین از ابتکاراتی چون دعوت «دانشجویان متحد» از دانش آموزان و دانشجویان تا در روز 10 اسفند در اعتراض به تصمیمات غیر مسئولانه حکومت در قبال این اپیدمی خطرناک به مدرسه و دانشگاه نروند و یا هشدار شورای بازنشستگان و جمعی از خانواده‌های زندانیان اجتماعی و سیاسی در شیوع این بیماری در زندان‌ها و بازداشتگاه‌های تحت کنترل قوه قضائیه و نهادهای امنیتی ست، استقبال میکنیم. تاکید داریم که با توجه به ناکارآمدی دولت جمهوری اسلامی همکاری با جامعه جهانی در این زمینه از جمله همکاری موثر با متخصصان سازمان بهداشت جهانی اهمیت بسیاری برای مقابله با این بیماری همه‌گیر دارد.

همبستگی برای آزادی و برابری در ایران

**دولت باید از همه راه‌های ممکن
امکان مبارزه قطعی با کرونا را**

فراهم سازد!



□ بیانیه اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

مردم شریف ایران!

بهر دلیلی ویروس مهاجم و خطرناک، ناخوانده در میهن ما جا خوش کرده و جان مردم بی دفاع را در معرض نابودی قرار داده است. کرونا به سرعت هر چه تمامتر در سراسر ایران گسترش یافته و می‌رود که جامعه‌ی فقرزده‌ی ما که آسیب دیده از تحریم دشمن خارجی و سیاست‌های اقتصادی مسوولان کشور و دزدی‌ها و اختلاس‌ها، رنج فراوان دیده را آن‌چنان مشغول سازد که میلیون‌ها نفر از ادامه زندگی طبیعی محروم گردند.

تشوش و نگرانی - آمیخته با ترس و ناامنی از شیوع ویروس کرونا و نیز بی‌اعتمادی ناشی از رفتارهای متناقض و دروغ‌پردازی مسوولان، بستر مناسبی برای گسترش این بیماری و کنترل ناپذیری آن فراهم می‌آورد.

براساس آمار منابع حکومتی تا روز جمعه نهم اسفند ماه، 388 نفر به این ویروس آلوده و 34 تن از آنان فوت کرده‌اند. البته آمار غیر رسمی تعداد قربانیان این بیماری هولناک را بیش از دویست و ده نفر و شمار مبتلایان را هزاران نفر برآورد کرده است.

دایره مبتلایان و قربانیان این ویروس از بین پزشکان و پرستاران بیانگر این واقعیت است که این زحمتکشان به رغم فداکاری و از جان‌گذشتگی‌هایشان، از شرایط مناسب و امکانات لازم از قبیل تجهیزات

ایمنی، نظیر ماسک، الکل، گان و سایر اقلام ضروری برای درمان بیماران محروم اند.

میلیون ها نفر در ایران فاقد پوشش بیمه ی درمانی هستند، میلیون ها نفر بیکار و فاقد درآمد، میلیون ها نفر با حداقل درآمد و میلیون ها نفر در مشاغل کارمزدی و روزمزدی بدون قراردادهای معتبر و نیز جمعیت فراوانی خویش فرما هستند و درآمدهای آنها در شرایط بحران برابر صفر خواهد شد. این درحالیست که گروهی از مردم از نوجوان و کودکان کار و خیابان تا جوانان و میانسالان دستفروش دوره گرد، در اتوبوس ها و قطار های شهری و همچنین رانندگان تاکسی و اتوبوس مستقیماً در معرض آلودگی هستند و ضمن بی دفاعی مطلق، می توانند ناقلین بی گناه این ویروس باشند.

در چنین شرایطی، وظیفه دولت فراهم کردن بسته های حمایتی درمانی برای مردم است تا بتوانند در مقابل این دشمن جان ها، از خود دفاع کنند.

مردم شریف ایران!

دولت موظف است که به اجرای فوری هر آنچه "سیاست های تخفیفی" شمرده می شود اقدام کند، مانند اجرای قرنطینه، اجرای آموزش های موثر و بهنگام و توزیع امکاناتی که به اقدامات پیشگیرانه در برابر ویروس کرونا منجر می شود.

بدون اقدامات حمایتی از مردم بی دفاع در برابر ویروس کرونا، هر گونه ادعای شکست دادن این بیماری پوچ و فریبکارانه است.

به همین منظور ما در «اتحاد سراسری بازنشستگان ایران» به عنوان بخشی از مردم نگران جامعه، ضروری میدانیم وظایف دولت را در برابر مردم گوشزد کنیم که عبارتند از:

1- تشکیل ستادی فارغ از هرگونه نگاه امنیتی و سیاسی و عقیدتی به موضوع بحران کرونا که باید در اختیار پزشکان و متخصصان امر بهداشت و درمان در حوزه بیماری های واگیردار قرار گیرد و بودجه لازم در این مورد به این ستاد تخصیص داده شود.

2- ستاد مدیریت کرونا برای مقابله با این بحران که اختیار تام، برای کنترل ویروس از طریق قرنطینه شهرها و تعطیلی اماکن عمومی پرخطر و مستعد انتشار ویروس را داشته باشد.

3- از آن جا که اقشار کم درآمد به دلیل سوء تغذیه از ایمنی بالایی برای مقابله با این ویروس برخوردار نیستند، دولت موظف است با تمهیدات حمایتی به تقویت بنیه مالی و تامین معیشت آنها اقدام فوری به عمل آورد.

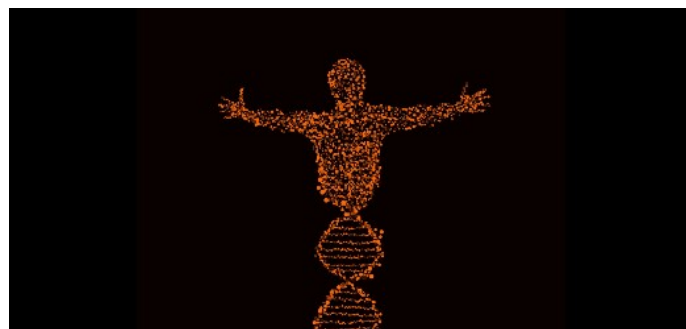
4- زندانیان و سربازان پادگان ها در برابر ابتلا به بیماری کرونا آسیب پذیرترند حفظ سلامتی و جان آنها برعهده دولت است. حاکمیت اسلامی باید هرچه زودتر نسبت به آزادی و ترخیص زندانیان سیاسی اقدام کند و شرایط فوق‌العاده را برای تامین حداکثری ویروس زدایی از زندان ها و پادگان ها و حفظ سلامت و جان سربازان و زندانیان، بهر طریق ممکن فراهم آورد.

5- بی شک اشاعه ویروس کرونا علاوه بر تهدید جان انسان ها، حیات روانی جامعه را نیز به مخاطره انداخته است. حکومت موظف است با تشکیل کارگروه های روانپزشکی و مددکاری اجتماعی و تجهیز آنها به امکان دسترسی آسان به رسانه های دیداری و شنیداری صدا و سیما، نسبت به کاهش عوارض روانی و ایجاد فضایی امن و آرام، امکان همکاری آگاهانه و بی اضطراب مردم را برای مقابله با این شرایط بحرانی فراهم سازد .

اتحاد سراسری بازنشستگان ایران

دهم اسفند 1398

در جستجوی «ژنِ یهودی»



برگ هائی از یک کتاب

کتاب «دولت اسرائیل علیه یهودیان» نوشته سیلون سیپل، در ۶ فوریه منتشر شد. این کتاب، تحول جامعه اسرائیل را در بیست سال گذشته بررسی می کند. در زیر بخش جالبی از «فصل ۴» کتاب با عنوان «در جستجوی ژن یهودی» را می آوریم. هنگام تالیف کتاب، هنوز دیوان عالی اسرائیل حق خاخامی اعظم را برای استفاده از ژنتیک جهت اثبات یهودیت یک فرد، تأیید نکرده بود. این امر در ۲۴ ژانویه گذشته عملی شد. حزب «اسرائیل، خانه ما» (راست افراطی لائیک) و نهادهای لائیک با آن مخالف بودند.

سیلون سیپل، اوریان ۲۱

ترجمه از بهروز عارفی

در پشت سر روند رشد نظریه های برتری نژادی سفیدپوستان که البته به محافل استعماری بسیار فعال در اسرائیل محدود است، با گسترش پدیده ای روبرو هستیم که عبارت است از ایده ی حفظ خلوص نژادی. به یقین، چنین ایده ای به تمایل ژرف ماندن در «میان خود» به مثابه ایده آل واقعی زندگی ارتباط دارد. روز ۹ فوریه ۲۰۱۶، نتانیاهو از « طرح چندساله ای برای کشیدن دیواری امنیتی به دور اسرائیل » پرده برداشت.

او که از استقبال بسیار مساعد افکار عمومی کشور از چنین ایده ای آگاه بود، می گوید: «عاقبت، دولت اسرائیل، به آن صورتی که مورد نظر من است، کاملاً محصور خواهد بود. به من خواهند گفت: این درست همان چیزی است که می خواهید، یعنی که از ویلا محافظت کنید؟ پاسخ مثبت است. در محیطی که ما زندگی می کنیم، باید از خود در مقابل حیوانات وحشی محافظت کنیم. (۱)» استعاره «ویلائی در یک جنگل» یعنی دولت اسرائیل در محاصره ی جانوران وحشی را قبلاً ایهود باراک، نخست وزیر پیشین اسرائیل (از حزب کارگر) در تابستان سال ۲۰۰۰، پس از شکست مذاکرات صلح کمپ دیوید بر زبان آورده بود.

ازدواج با یک دختر نروژی؟

این مفهوم، منشاء گوشه گیری انحصاری نسبت به حضور دیگران است. این احساس ممکن است به گرایش نژادپرستانه منجر شود که دلیل آن، فقط نیاز به داشتن امنیت نبوده و اغلب از تمایلات مذهبی و حتی از مشتقات گره خوردگی عرفان و ناسیونالیسم الهام گرفته است. در دین

یهودی، به آن صورتی که در اسرائیل بدان عمل می شود، و قدرت حاکم، خاخامی بسیار سنت گرا را مأمور اداره همه امور زندگی خانواده کرده (تولد، ازدواج، طلاق، مرگ، و غیره) و ازدواج مدنی از نظر قانونی به رسمیت شناخته نمی شود، «ازدواج های مختلط»، یعنی ازدواج بین یهودی و غیر یهودی غیر ممکن است.

این ممنوعیت که در ابتدا فرمانی الهیاتی بود، غالباً با بیان نژادپرستی کم و بیش آشکار همراه است. از جمله، هنگامی که در ژانویه ۲۰۱۴، رابطه خصوصی یئیر نتانیا هو، پسر نخست وزیر با ساندرا لیکانگر، دانشجوی نروژی برملا شد، فوراً موجی از واکنش های شدید طرفداران یهودیت ناب را برانگیخت. نیسیم زئو، نماینده حزب اولترا-ارتدکس شاس در مجلس، به روزنامه جروزالم پست اظهار داشت: «هر یهودی که بخواهد ریشه هایش را حفظ کند، مایل است که پسرش با یک دختر یهودی ازدواج کند. [بنیامین نتانیا هو] به عنوان نخست وزیر اسرائیل و نیز خلق یهود موظف است مسئولیت ملی اش را نشان داده و از ارزش های آن در چارچوب خانواده خودش دفاع کند(۲)». حتی در درون حزب لیکود، این ارتباط دردسر ایجاد می کرد. بسیاری یادآوری کردند که اگر خدای ناکرده، پسر نخست وزیر با این دختر نروژی، کودکی هم می داشت، آن ها یهودی نمی بودند، زیرا یهودیت از طریق مادر منتقل می شود. دست کم برای کسانی که متأسفانه زیاد هم هستند و به این مهملات بیولوژیکی-فرهنگی اعتقاد دارند، وضع چنین است. در مورد نروژ چه خواهند گفت اگر، مقامات مسیحی و نمایندگان مجلسش از عشق پسر نخست وزیر با یک دختر دانشجوی یهودی رنجیده خاطر شده باشند؟ آن ها نژاد پرست هستند، مگر نه؟

در هر صورت، ازدواج با یک عرب ممنوع!

مسلم است هر وقت که یک پسر یا دختر یهودی قصد ازدواج با یک عرب دارد، اوضاع شلوغ می شود. در اسرائیل، فکر می کنند که عربیت، پدیده ی خیانت به نژاد را به شدت وخیم تر می کند. هنگامی که در سال ۲۰۱۸، تساهی هیلوی، خواننده و هنرپیشه اسرائیلی اعلام کرد که پس از چهار سال زندگی مشترک با شریک زندگی اش لوسی هریش، روزنامه نگار و مجری فلسطینی مسلمان تلویزیون، «ازدواج» ساختگی (به علت ممنوع بودن آن در اسرائیل) می کند، جنجال بزرگی در اسرائیل ایجاد شد. آریه دریف وزیر کشور وقت اخطار کرد. او در رادیوی ارتش

اعلام کرد: «این ازدواج کار خوبی نیست. فرزندان شما، به خاطر وضعیت شان دچار مشکل خواهند شد. « سپس او به خانم هریش پیشنهاد کرد که به یهودیت گِرَوَد. اورِن هازان، نماینده مجلس از حزب لیکود خواست که دولت ازدواج بین جامعه های [مذهبی] مختلف را به رسمیت نشناسد. او در توییتی نوشت: «لوسی، این مسئله خصوصی نیست. اما شما باید بدانید که تساهی برادر من است، خلق یهود برادران من هستند. مرگ بر اختلاط!» و او سپس هلوی را متهم به «اسلامیزه شدن» کرد.

افراد دیگری نظیر یئیر لاپید (نماینده مجلس)، یا نفتالی برنت، وزیر مذهبی در مورد رد چنین ازدواج هایی اظهار نظر کردند. سلمان مصالحه، نماینده فلسطینی مجلس، «نژادپرستی» این تفسیر ها را نکوهش کرده و گفت چنین سخنانی مشمئزکننده است. او به کلیه مدافعان خلوص یهودیت یادآوری کرد که در کشورهای اسلامی، زنان از ازدواج با غیرمسلمانان اکیدا منع شده اند و اگر مردان از چنین اجازه ای برخوردارند، این کار در عمل (دوفاکتو) ممنوع است. او نتیجه گرفت که «افرادی چون لاپید، بنت و نظایر آن ها از هم پالکی های شان در کشور های مسلمان متفاوت نیستند». (۳)

همواره، حفظ خلوص یهودیت پیامدهایی نیز دارد. تظاهر بسیار جنون آمیز این ایدئولوژی در دولت اسرائیل به آن صورتی که این دولت در آمده، ظهور یک مکتب علمی است که قصد دارد «ژنتیک یهودی» را به مثابه اول و آخر توجیه صهیونیسم یعنی «حق تاریخی» یهودیان به بازگشت به سرزمین نیاکان و وضعیت منحصر به فرد این ملت تلقی کند - از وضعیت منحصر به فرد، باید مفهوم استثنائی یعنی برگزیده را فهمید. ۱۳ ژانویه ۲۰۱۴، در تل آویو درباره موضوع «یهودیان و نژاد: ژنتیک، تاریخ و فرهنگ»، سمیناری دانشگاهی برگزار گردید. دانشگاهیان بحث و جدل فراوانی کردند و برخی وجود یک «نژاد» یهودی را معتبر دانستند. برخی دیگر قاطعانه با آن مخالفت کردند. اما خود عنوان این کنفرانس، احساس نامطلوبی ایجاد می کند: «آیا نژادها، تاریخی دارند؟»، «آیا ژنتیک می تواند تعیین کند که چه کسی یهودی است؟» و غیره ...

«آیا می توان از طریق آزمایش ژنتیکی، یهودیت را تشخیص داد؟»

در این مورد، در میان آنگلساکسون ها که بر همه دانشگاه های

اسرائیل نفوذ دارند، کمی دستپاچگی دیده می شود، و واژه «نژاد» معنای دو گانه ای دارد: بدون زیر سوال بردن وحدتِ نژاد انسانی، این واژه همچنین گروه های انسانی را نیز متمایز می کند. به ویژه به خاطر رنگ پوست، بدون این که الزاماً بٌعد نژادپرستانه را نیز به آن اضافه کند. در طول این سمینار، سخنرانان متعددی از اصطلاح «هویت نژادی یهودی» استفاده کردند و کار آن ها موجب شد که مو بر تن بسیاری از حاضران سیخ شود. در نقطه تلاقی زیست شناسی (بیولوژی)، جمعیت شناسی و جغرافیا، کارشناسان «ژنتیک اهالی» به منزله ی نوک کمان این موج هستند و رله های آن ها در اسرائیل، بیش از پیش فعال تر شده اند. در اسرائیل و ایالات متحده، موسسات دانشگاهی وجود دارند که به پژوهش در مورد «ژن یهودی» می پردازند، یعنی در مورد ساختار ژنتیکی که فقط به یهودیان تعلق دارد و آن ها قصد تدوین این تر را نیز دارند. برای مثال، پرفسور آمریکائی، هاری اوسترر، مسئول آزمایشگاه ژنتیک در دانشکده پزشکی دانشگاه خصوصی یشیوا در نیویورک با انتشار جزوه ای با عنوان « میراث، خصوصی ژنتیکی خلق یهود » در سال ۲۰۱۲، جنجال بزرگی برپا کرد (۴). در این کتاب، اوسترر از پدیده ای به نام « اساس ژنتیک یهودیت » سخن می گوید. عنوان های شش فصل کتاب، به تنهایی گویا هستند: به ترتیب، « با حالت یهودی»، «موسسان»، «شجره نامه»، «قبیله ها»، «کاراکترها»، و بالاخره «هویت». در مجله «نیویورک ریویو آو بوک»، این کتاب با انتقاد پژوهشگر مشهور دانشگاه هاروارد، ریچارد لیونتین مواجه شد که از سر تا ته آن را رد می کرد.

باوجوداین، پرفسور استرر در برخی محافل دانشگاهی اسرائیل، نظیر بیمارستان دانشگاهی رامبام رقیب پیدا کرده است.

در حیفا، در جریان تهیه ی گزارشی در سال ۲۰۱۴، با ژیل آتزمون، پژوهشگر ژنتیک آن بیمارستان دیداری کردیم. او اظهار داشت: « ثابت شده است که می توان از طریق آزمایش های ژنتیکی، یهودیت را مشخص کرد» (گویی تاریخ کفایت نمی کرد). او محتاطانه ایده ی «ژن یهودی مجزا» را رد می کرد ولی می افزود «این گفته به این معنا نیست که علم آن را نخواهد یافت، پژوهش ها پیشرفت می کنند» (۵). برعکس، به عقیده او «ژن ها امکان می دهند که به صورتی دقیق تر، تاریخ مداوم خلق یهودی را در ارتباط با ژن های آن ها و فِنوتیپ* (مجموعه خصوصیت های مشترک آن را) بازسازی کرد». آیا این جمعیت، در مدت ۲۵ قرن، از نظر ژنتیکی «همسان» (هُموژن) مانده اند ؟

این پژوهشگر می پذیرد که در کشورهای پیرامون مدیترانه، در طی قرن

ها، به ویژه بین سده ی اول و چهارم میلادی و حتی پس از آن، بسیاری به یهودیت گرویده اند. او می افزاید، «اما این امر نمایانگر از بین بردن گرایش غالب نبود». یهودیان به دلیل پیامدهای آزارها و تمایل بعدی آن ها نسبت به عزلت و گوشه گیری جهت حفاظت از خود، امکان یافته اند تا «هویت ژنتیکی» خودشان را همچنان حفظ کنند.

ناسیونالیست هایی که با نقاب برچهره پیش می روند

اگر بگوئیم که این نظریه ها، اعتراض های زیادی را برانگیخته اند، اغراق نکرده ایم، پیش از همه، در بین متخصص های ژنتیک و حتی بیشتر از آن ها در میان مورخان. مورخان، چه اولتراناسیونالیست و چه پیشرو، تقریباً همه بدون استثناء شدیداً مخالف این «بازسازی» هستند. باوجود این، اِوا ژِبلونکا، پژوهشگر اسرائیلی، یکی از دو نویسنده ی کتاب «تحول در چهار بُعد»، (۶) طرفدار قاطع استفاده از ژنتیک در علوم انسانی، با استفاده ای که پژوهشگران از «ژن یهودی» می کنند، قاطعانه مخالف است. او آن ها را «ناسیونالیست»هایی می خواند که با «نقاب برچهره به پیش می روند» و فقط تلاش می کنند که آن چه را که باور دارند، ثابت کنند؛ یعنی این که وجود خلق سه هزارساله تغییری نکرده و در نتیجه منحصر به فرد است. او ادامه می دهد که این نکته، پوچ و ابلهانه است. همان قدر احمقانه است که فکر کنی «گول ها» نیاکان فرانسوی های کنونی بودند. اما نظریه ای ابلهانه که هر روز طرفداران جدیدی در اسرائیل و به ویژه در بین اولتراناسیونالیست های عرفانی پیدا می کند.

«ایدئولوژی هیتلر صددرصد درست بود»

بدین ترتیب، نهاد خاخامی اسرائیل نسبت به سنجش یهودیت افراد موسوم به «مشکوک» دست به دامن ژنتیک شده است. نوح اسلایکوف، تحلیلگر اسرائیلی گوشزد می کند که «با این کار، با کشاندن [افراد] جهت انجام آزمایش های ژنتیکی، نهاد خاخامی اسرائیل در دام عِلْم نژادی قرن نوزدهم می افتد (۷)».

کسانی خواهند گفت که این گرایش های دهشتناک، این نظریه های مربوط به ایدئولوژی «صددرصد درست هیتلر»، یعنی نظریه های مربوط به «ژنتیک یهودی»، «خلق-نژاد»، در اسرائیل در حاشیه مانده و البته

راست هم گفته اند. (در همان فصل، کتاب قبلا گفتار خام گئورا رادل، مدیر مدرسه نظامی مذهبی بنی داوید را نقل می کند که در آوریل ۲۰۱۹ اعلام کرده بود «ایدئولوژی هیتلر صددرصد درست بود، منتهی طرف نادرست را هدف قرار داده بود»، یعنی به معنای دیگر، هیتلر فقط هدف را اشتباه گرفته بود، و به جای حمله به دشمنان واقعی یعنی مسلمان ها و عرب ها، به یهودیان حمله کرده است). اما، اشتباه است اگر گسترش دائمی آن ها جدی گرفته نشود. در سال ۱۹۶۷، هنگامی که اسرائیل دیوار ندبه را تسخیر کرد، خام اعظم ارتش، شلومو گورن در یک حالت هیجان عرفانی، فوراً به انفجار گنبد مسجد صخره، از مکان های مقدس مسلمانان و ساختن معبد به جای آن دعوت کرد.

موشه دایان فاتح جنگ، (او وزیر دفاع بود) به صخره پاسخ داده بود: «خوب چه کسی به یک واتیکان یهودی نیاز دارد؟». پنجاه و سه سال بعد، طرفداران «بازسازی معبد»، حاشیه نشینانی نیستند که در گذشته مسخره شان می کردند. در میان آنان، نماینده مجلس، انجمن های پولدار متکی به منابع مالی سخاوتمند و مبلغان با نفوذ وجود دارند. حکومت اسرائیل، به طور رسمی به یکی از موسسات وابسته به این جریان، «ال-عاد» ماموریت داده تا در نزدیکی محوطه مسجدها به کاوش های باستانشناسی بپردازد. کار خطائی خواهد بود اگر وزنه راست افراطی، چه لائیک و چه عرفانی، در تحول اسرائیل نادیده گرفته شود.

ایده های این جناح، به طور مستمر گسترش می یابد. ابتدا همین جریان است که در این نظریه های نژادپرستانه و نژادی، مبالغه می کند. اگر در آینده، این جریان به قدرت برسد (امری که از هم اکنون به آن چشم دوخته اند، بدون این که امکانات اصلی اش را داشته باشند) همه خاورمیانه با مخاطره ی تکه تکه شدن گنج کننده ای روبرو خواهد شد که از هم اکنون انسان از وحشت در برابر آن به خود می لرزد.

پاورقی ها:

-۲

Gil Stern Hoffman et Shuly Wasserstrom, « [MKs slam Netanyahu over his son dating a non-Jewish Norwegian woman](#) », *Jerusalem Post*, 26 janvier 2014

-۳

Salman Masalha, « [Outcry over Israeli-Arab intermarriage exposes the racist truth about Israel](#) », *Haaretz*, 19 octobre 2018

-۴

Harry Ostrer, *Legacy : A Genetic History of the Jewish People*, Oxford University Press, Oxford, 2012

-۵

Sylvain Cypel, « [À la poursuite du “gène juif”](#) », *Revue XXI*, avril 2015

-۶

Eva Jablonka et Marion J. Lamb, *Evolution in Four Dimensions : Genetic, Epigenetic, Behavioral, and Symbolic Variation in the History of Life*, The MIT Press, Cambridge, 2005

-۷

Noah Slepko, « [Israel's rabbis think genetic testing can “prove” Jewishness. They're wrong](#) », *Haaretz*, 29 avril 2019

* فِنو تیپ Phénotype: در ژنتیک، به مجموعه مشخصه هائی که در یک ارگانیسم قابل مشاهده اند، فنوتیپ می گویند. گاهی کاربرد این واژه به یک مشخصه در سطح سلولی یا مولکولی محدود می شود. مانند خصوصیات بیوشیمیائی یا فیزیولوژیکی.

در فارسی، به آن رُخ نمود یا رُخ مانه نیز می گویند.

<https://orientxxi.info/lu-vu-entendu/en-quete-du-gene-juif,360>

آیند ایالات متحده آمریکا از پیش به سوی نظام‌گری پیش می‌رود

مانلیو دینوچی

روزنامه ایتالیایی ایل مانیفستو

مرکز پژوهش‌های جهانی، 18 فوریه 2020

ترجمه از حمید محوی

معرفی «بودجه برای آیند آمریکا» از سوی دولت ایالات متحده آمریکا اولویتهای دولت ترامپ در ترازنامه فدرال برای سال مالیاتی 2021 را نشان می‌دهد (که از اول اکتبر امسال آغاز می‌شود).

پیش از همه کاهش مخارج اجتماعی را می‌بینیم : برای مثال، کاهش 10% برای بخش بهداشت و خدمات انسانی. در حالی که مقامات بهداشتی اعلام کرده اند که فقط گسترش گریپ در ایالات متحده از اکتبر تا فوریه یک جمعیت 10000 نفری از جمعیت 330 میلیونی ایالات متحده را به کام مرگ کشانده است. رسانه ها این موضوع را به سکوت برگزار کردند، در حالی که همین رسانه ها برای 1770 قربانی ویروس کورونا از جمعیت 1,4 میلیاردی در چین که قادر بود با اقدامات استثنائی خسارات این بیماری همه گیر را محدود کند، در سراسر جهان زنگ خطر را به صدا درآوردند.

نمی‌توانیم نسبت به اهداف واقعی اردوی تبلیغاتی آزار دهنده که روی هر چیز چینی سایه وحشت می‌افکند مظنون نباشیم، در مورد انگیزه بودجه ایالات متحده آمریکا، می‌خوانیم که « آمریکا در

مقابل خود با چالش دولت ملتهای رقیب به ویژه با چین و روسیه روبرو می باشد.»

چین متهم است که « با سلاح های سایبری علیه ایالات متحده و هم پیمانانش جنگ اقتصادی به راه انداخته » و « می خواهد منطقاً هند-آرام را به نفع خود بیاراید، و این روند برای امنیت و منافع اقتصادی ایالات متحده آمریکا خطرناک است». برای این که « منطقه از نفوذ شروران چین آزاد شود» دولت ایالات متحده آمریکا 30 میلیون دلار تأمین مالی برای « مرکز بسیج جهانی برای مقابله با تبلیغات و تحریف چینی ها» در نظر گرفته است. در چارچوب « رقابت استراتژیک فزاینده»، دولت ایالات متحده آمریکا اعلام کرده است که « بودجه برای تأمین مالی برنامه هایی که برتری جنگی ما نسبت به چین، روسیه و دیگر رقبای ما را افزایش می دهد اولویت قائل می شود.»

به همین علت رئیس جمهور ترامپ اعلام کرد که « برای تضمین امنیت داخلی و گسترش منافع ایالات متحده آمریکا در خارج، بودجه من 740,5 میلیارد دلار برای دفاع ملی در نظر گرفته است» (در حالی که به بخش بهداشت و خدمات انسانی 94,5 میلیارد دلار تعلق می گیرد).

بودجه نظامی شامل 69 میلیارد دلار برای عملیات جنگی در فرا دریاها، بیش از 19 میلیارد دلار برای 10 رزم ناو و 15 میلیارد دلار برای 115 شکاری اف 35 و هواپیماهای دیگر، 11 میلیارد دلار برای توانمند سازی سلاح های زمینی.

برای برنامه های علمی و فنی پنتاگون 14 میلیارد دلار که به گسترش جنگ افزارهای هایپر سونیک و انرژی مستقیم، سامانه های فضائی و نسل پنجم ارتباطات سیار سلولی (شبکه G5) اختصاص خواهد یافت.

این نمونه ها بخشی ست از فهرست طولانی مخارج (با پول عمومی) که شامل کل پیشرفته ترین سامانه ها و سلاح ها می شود، با منافع عظیم برای لاکهید مارتین و دیگر صنایع نظامی.

به بودجه پنتاگون هزینه های متنوع دیگری با خصوصیات نظامی در بودجه بخش های دیگر اضافه می شود. در سال مالیاتی 2021 بخش انرژی 27 میلیارد دلار برای حفظ و مدرنیزاسیون انبار اتمی دریافت خواهد کرد. بخش امنیت ملی 52 میلیارد دلار برای سرویس مخفی خود دریافت خواهد کرد. بخش مربوط به امور رزمندگان قدیمی 243 میلیارد دلار (10% بیشتر از سال 2020) برای نظامیان بازنشسته دریافت خواهد کرد.

با احتساب امور یاد شده و فراتر از آن، مخارج نظامی ایالات متحده آمریکا در سال مالیاتی 2021 از 1000 میلیارد دلار عبور خواهد کرد. مخارج نظامی ایالات متحده در واقع نقش موتور برای دیگر کشورها خواهد داشت که البته در سطح بسیار نازلتری قرار می گیرند. با احتساب مخارج نظامی ایالات متحده 3 تا 4 برابر بیشتر از مخارج نظامی چین و بیش از 10 برابر مخارج نظامی روسیه است.

بر این اساس کاخ سفید اعلام کرد که «بودجه نظامی آمریکا فرادستی این کشور را در بخش جنگ تضمین می کند: نیروی هوایی، زمینی، دریایی، فضایی و سایبر-فضایی» و با اعلام این گزارش که ایالات متحده به زودی در دو سایت قادر به تولید 80 کلاهک اتمی جدید در سال خواهد بود.

«آینده آمریکا» می تواند به معنای پایان جهان باشد.

Manlio Dinucci

منبع اصلی :

<https://www.mondialisation.ca/lavenir-des-etats-unis-damerique-de-plus-en-plus-arme/5641777>

<https://ilmanifesto.it/il-futuro-dellamerica-sempre-piu-armato/>

ترجمه حمید محوی

گاهنامه هنر و مبارزه. پاریس 22 فوریه 2020

نامه سرگشاده به آقای اشتاین مایر رئیس جمهور آلمان فدرال

برگردان از ناهید جعفرپور

مقدمه: این نامه سرگشاده بدنبال نامه اعتراضی قبلی از آقای

اشتاین ماير نوشته شده است . در نامه قبلي بتاريخ 5 فوريه 2020 وقايع اخير و كشتار آبان ماه و زدن هواپيماي مسافري و وومطرح بود و از ايشان خواسته شد كه امسال پيام تبريك به جمهوري اسلامي ارسال نكند. روز شنبه گذشته اعلام شد كه آقاي اشتاين ماير پيامي ارسال نخواهد كرد اما امروز در مطبوعات آلمان و ايران اعلان كردند كه پيامي داده شده است . اين دوگانگي با توجيح "اشتباهها" قابل قبول نيست و اين حركت را بايد در راستاي منافع اقتصادي و سياسي آلمان با رژيم جمهوري اسلامي تلقى نمود. زدن هواپيما توسط رژيم ايران سهوا بوده و پيام تبريك رياست جمهوري آلمان هم سهوا بوده است ؟

حضور محترم رياست جمهوري آلمان فدرال، جناب آقاي اشتاين ماير

از طريق مطبوعات مطلع گشتيم كه گويا در دفتر رياست جمهوري "اشتباهاتي" رخ داده است؟. روز شنبه در اثر فشار افكار عمومي و همچنين درخواست هايي كه از شما شده بود، اعلام نموديد از آنجا كه رژيم ايران مردم خويش را زنداني و شکنجه و بقتل مي رساند و دستانش به خون مردم آغشته است، شما امسال پيام تبريك بخاطر 22 بهمن ماه روز انقلاب براي جمهوري اسلامي ايران ارسال نخواهيد كرد.

تا اينجا اين مسئله و اظهار نظر شما بعنوان يك پيغام سياسي به ايران فهميده شد. اما متاسفانه امروز صبح در رسانه ها مشاهده نموديم كه دفتر رياست جمهوري شما بدون مشورت با شما و به اختيار خود پيام تبريك براي جمهوري اسلامي ايران ارسال نموده است.

روزنامه اقتصاد جديد در ايران در سرمقاله خود، اعتبار گفته شما را زير علامت سؤال مي برد و مي نويسد "آيا خبر صرف نظر كردن رئيس جمهور آلمان فدرال از فرستادن پيام تبريك به ايران حقيقت دارد؟".

اين روزنامه از قول روزنامه فارس كه متعلق به سپاه پاسداران است، مي نويسد "كه سخنگوي سرويس امنيتي ايران و پاسداران انقلاب اسلامي اعلام داشته كه پيام كتبي روز انقلاب چند روز پيش از سوي آقاي اشتاين ماير رئيس جمهور آلمان فدرال به رئيس جمهور ايران حسن روحاني تحويل داده شد".

نقل قول روزنامه اقتصاد جديد "رئيس جمهور آلمان در كنار فرستادن تبريك سالروز انقلاب به رئيس جمهور و ملت ايران، خاطر نشان كرد كه آلمان يك شريك صادق و جدی ايران است".

برای انسانهایی که صدای خویش را در برابر نقض حقوق بشر در ایران بلند کرده و خواسته های مشروعشان را برای دستیابی به آزادی و دموکراسی و حقوق بشر و بر علیه کلیت نظام جمهوری اسلامی طرح نموده اند، ارسال و پخش تبریک رئیس جمهوری آلمان به دولت ایران غیر قابل درک است.

به لحاظ قانونی انسانها از خود خواهند پرسید " چه کسی مسئول ریاست جمهوری آلمان است و کدام دیپلماسی پشت این مناسبات و روابط به غیر از مناسبات اقتصادی نهفته است، که چنین چیزی اتفاق می افتد؟ چگونه می توان این سیاست دوگانه اخلاقی را درک کرد و فهمید؟ آنهم جایی که دلایل کاملا مشخصند؟.

رژیم ایران تلاش دارد در سالروز انقلاب مردم ایران را به هر وسیله ای به خیابان ها بیاورد تا بدینوسیله یک تصویر غلط از ایران به نمایش بگذارد.

اعلام گشته است که دانش آموزان در این روز به مدارس نخواهند رفت و مدارس تعطیل می باشند تا بتوانند به خیابان ها بروند و به همراه رژیم این روز را جشن بگیرند. یک چنین شستشوی مغزی و حرکاتی دقیقا کمی قبل از انتخابات ایران انجام می پذیرد.

فرستادن تلگرام تبریک به رژیم ایران بیان روشن این مسئله است که نقض حقوق بشر در ایران به فراموشی سپرده می شود و مورد توجه قرار نمی گیرد.

مردم ایران انتظار دارند که بتوانند خواسته ها و اعتراضاتشان را آزادانه و بدون هرگونه تعقیب و دستگیری بیان نمایند. این رفتار نسبت به رژیم ایران تنها و تنها به نفع رژیم ایران است و نه بنفع مردم ایران.

جناب آقای اشتاین مایر ریاست جمهور آلمان فدرال

در خارج از کشور لابی هایی وجود دارند که تلاش می کنند بخاطر منافع اقتصادی و سیاسی، عملکردهای رژیم ایران را قابل قبول جلوه دهند.

این رفتار ناشایست برای مردمی که تنها ظلم و شکنجه را تجربه می کنند، سیلی محکمی به صورت است.

از این روی ما تلگرام تبریک ناخواسته ارسال شده از سوی شما، به جمهوری اسلامی را، بعنوان یک توهین مستقیم به مردم ایران و همچنین

بازماندگان قربانیان هولوکاست در آشویتز که در نامه قبلی به آن اشاره شده بود، می دانیم.

مردم ایران قادرند به وضوح صدای خویش را بالا ببرند تا آزادی بیان به وجود آید اما بخاطر عدم پشتیبانی از آنان و یک چنین " گفتگو های انتقادی" رژیم ایران همچنان به اقدامات خویش علیه مردم ایران ادامه می دهد.

جناب محترم ریاست جمهور

ما مخالف هر گونه دخالت خارجی در امور ایران هستیم و اعتقاد داریم که مردم ایران خودشان باید سرنوشتشان را رقم بزنند بهمین جهت انتظار داریم که جامعه جهانی عملکردهای رژیم جمهوری اسلامی را محکوم نماید.

مردم ایران نیاز به همبستگی و پشتیبانی دارند. جنبش های اعتراضی همچنان در حرکتند و مرتبا همچنان بسیاری دستگیر می شوند. تمامی رفتار جامعه جهانی یادآور مردمی است که 41 سال است زیر یوغ این رژیم قرار گرفته اند.

ما بسیار نگران و متاسفیم که رئیس جمهور کشور آلمان با وجود تمامی اتفاقات افتاده در ایران، یک تلگرام شادباش روز انقلاب به دولت ایران ارسال نموده و در آن همچنین خود را شریک صادق و جدی رژیم ایران نشان داده است.

با احترام فراوان

از سوی فوروم دمکراتیک شهر ماینس

بهروز اسدی

ماینس 10 فوریه 2020

C/O Initiativausschuss für Migrationspolitik in RLP

Albert-Schweitzer-Str 113-115 in 55128 Mainz